

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی استدلال به روایتی از امام صادق(ع) بر استفاده برائت از آیه شریفه سوره طلاق

در مورد آیه شریفه (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) بررسی روایتی باقی ماند که در آن به همین آیه استدلال شده است. روایت را مرحوم کلینی در صفحه 163 از جلد 1 کتاب کافی نقل می‌کند. کلینی از علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن یونس، عن حماد، عن عبد الاعلی - روایت معتبر است - قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أصلحك الله هل جعل في الناس أداة ينالون بها المعرفة؟ قال: فقال: لا، قلت: فهل كلّفوا المعرفة؟ قال: لا، على الله البيان (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا). در این روایت عبدالاعلی دو سؤال از امام صادق(ع) پرسیده است. سؤال اول این است که آیا خداوند تبارک و تعالی برای مردم طرق یا وسائلی که به وسیله آنها بتوانند معرفت پیدا کنند قرار داده است یا نه؟ امام(ع) می‌فرماید: نه. سؤال دوم این است که حال، آیا این مردم مکلف به معرفت هستند؟ که امام(ع) دو مرتبه می‌فرماید: خیر. در ادامه روایت، امام(ع) می‌فرماید: «على الله البيان»، خداوند اگر بخواهد مردم معرفت پیدا کنند، باید بیان کنند؛ کیفیت معرفت و چگونگی معرفت را باید بیان کند تا مردم معرفت پیدا کنند. در ادامه نیز دو آیه شریفه را بیان می‌فرماید. به این روایت استشهاد کرده‌اند که مراد از «ایتاء» در آیه شریفه، اعلام و بیان است. (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) بر حسب این روایت، «ایتاء» باید به معنای اعلام و بیان باشد؛ که مدّعی قائلین به برائت همین است. آنها می‌گویند در هیچ تکلیفی قبل از این که خداوند آن تکلیف را بیان کند، آن تکلیف متوجّه انسان نیست. شاهد اینان در این روایت آن است که «ایتاء» به بیان معنا شده است. چون امام(ع) می‌فرماید: «على الله البيان»؛ چون خود خداوند بیان فرموده است (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا). این استشهادی است که به این روایت کرده‌اند. اما این که آیا این استشهاد درست است یا نه؟

بایستی یک مقدار این روایت را توضیح دهیم. مطلب اول این است که در این که مراد از معرفت چیست، سه احتمال وجود دارد. یکی این که مراد، معرفت خداوند تبارک و تعالی است؛ دوم این که مراد، معرفت حجج خداوند است؛ و سوم این که معنای عامی را می‌گوید و آن شناخت است؛ شناخت خدا، ائمه، قیامت، صفات خدا... مطلب دوم این است که مراد از این معرفت، معرفت اجمالی است و یا معرفت تفصیلی مراد است. به قرینه این که امام(ع) می‌فرماید: «على الله البيان»، روشن هست که سائل از معرفت اجمالی سؤال نمی‌کند و از معرفت تفصیلی سؤال می‌کند. آیا مردم مکلف به معرفت تفصیلی خداوند تبارک و تعالی یا معرفت تفصیلی حجج خدا هستند یا خیر؟ و مطلب سوم این است که «على الله البيان»، آیا به عنوان بیان واقع است؟ امام صادق(ع) می‌فرماید: خدا باید بیان کند؛ آیا امام صادق(ع) واقعاً می‌خواهد این را ذکر کند یا این که مجرد يك فرض است؛ یعنی ما می‌گوئیم تکلیف روی فرضی است که خدا بیان کند، اما در مورد معرفتش بیان هم نفرموده است؛ مجرد يك فرض و تقدیر است. به عبارت دیگر، تعبیر «على الله البيان»، آیا مجرد فرض و تقدیر مراد است یا اینکه امام صادق(ع) علیه

السلام) دارد واقع را بیان می‌کند؟ اگر در اینجا مراد از معرفت، معرفت خداوند باشد، و مراد از این معرفت، معرفت تفصیلیه باشد، و مراد از بیان هم واقع باشد و نه مجرد فرض و تقدیر، در این صورت، «ایطاء» هم به معنای اعلام می‌شود؛ اما اگر گفتیم مراد معرفت حجج خداوند است، یا گفتیم امام(ع) «علی الله البیان» را به عنوان يك فرض و تقدیر ذکر می‌کند، یعنی تکلیف به معرفت هست روی فرض بیان، اما حالا که بیان نشده، پس تکلیف به معرفت هم نیست.

بیان مرحوم شیخ در مورد تکلیف به معرفت خداوند

نکته‌ای که وجود دارد این است که مرحوم شیخ می‌فرماید: اینجا تکلیف، یعنی تکلیف به معرفت خداوند قبل از آن که خداوند خصوصیات خودش را بیان کند؛ و این معرفت، غیر مقدور است؛ مقدور مکلف نیست. اگر خداوند صفات ذاتیه‌ی حقیقیه‌ی خودش را بیان نکند، معرفت به صفات و ذات خدا مقدور نیست. در نتیجه در **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا)** مراد این نیست که تکلیف قبل از بیان اثر ندارد و بعد از بیان اثر دارد؛ بلکه «ایطاء» در این روایت به معنای اقدار است؛ یعنی خداوند هیچ نفسی را تکلیف نمی‌کند مگر به آنچه که مقدور مکلف باشد. پس، امام(علیه السلام) می‌فرماید معرفت خدا قبل از آن که خود خداوند بیان کند، مقدور مکلف نیست؛ و بعد از آن که خداوند بیان فرمود، مقدور مکلف می‌شود. لذا، با این بیان، «ایطاء» را به معنای اعلام نمی‌گیرند و می‌فرمایند «ایطاء» در اینجا به معنای قدرت و همان اقدار است.

در نتیجه، مرحوم شیخ(اعلی الله مقامه الشریف) می‌خواهند بفرمایند آیه نمی‌تواند شاهد برای قائلین به برائت باشد؛ چون آیه نمی‌گوید اگر تکلیفی بیان نشد، آن تکلیف فعلیت ندارد؛ آیه در مورد معرفت است، و معرفت خدا برای بشر قبل از اینکه خداوند بیان کند، غیر مقدور است. لذا، می‌فرمایند این معنا و احتمال به همان معنای دوم برمی‌گردد که اعلام به معنای اقدار است؛ یعنی بعد از اینکه مکلف قدرت پیدا کند. شاهده‌ی که برای شیخ وجود دارد، این است که در این روایت، این دو آیه کنار هم قرار داده شده، **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)** و **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا)**، و معلوم می‌شود امام(علیه السلام) این دو را به یک معنا تفسیر کرده‌اند.

نکته‌ای که ما اضافه می‌کنیم، این است که قبل از روایت، ما گفتیم اگر ما باشیم و آیه، آیه ظهور در مال دارد؛ **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا)**، یعنی انفاق مالی که خداوند به مکلف و نفس اعطا کرده است؛ و آیات و عبارات قبل قرینه روشن این مدعاست. اما این روایت سبب می‌شود که بگوئیم آیه يك مقدار از دایره‌ی مال وسیع‌تر است؛ بگوئیم خداوند نفسی را تکلیف نمی‌کند مگر آن مالی که اعطا کرده یا آنچه که قدرت دارد. و نکته‌ی لطیف و ظریفش این است که اگر کلمه‌ی «ما» را به معنای «اقدار» گرفتیم، شامل انفاق به مقدار قدرت هم می‌شود؛ یعنی باید به مقداری که قدرت دارد انفاق کند و در جلسه‌ی قبل هم عرض کردیم این ضابطه‌ی کلی می‌شود برای همه موارد مالی. به وسیله این روایت، باید دایره را يك مقداری توسعه داده و بگوئیم در هرچه که قدرت شرط است، به همان اندازه تکلیف هست. اما باز به نفع برائتی‌ها نمی‌تواند باشد؛ زیرا، برائتی‌ها زمانی می‌توانند به این آیه استدلال کنند که «ما» به معنای تکلیف باشد و «ایطاء» هم به معنای اعلام و بیان باشد؛ در حالی که این روایت، ظهور در این معنا ندارد. این هم مطلبی بود که راجع به این روایت لازم بود عرض کنیم. پس، نتیجه این می‌شود که آیه شریفه **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا)** معنایی فراتر از مال دارد؛ و آن معنا همان معنای قدرت است؛ لذا، عرض کردم این که در روایت، حضرت **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)** را کنارش آورده، مؤید می‌شود بر این که این دو آیه دارای یک معنا هستند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.